

درس خارج فقه استاد حمید درایتی

جلسه سی و پنجم، ۲۲ آبان ۱۴۰۰

موضوع: کتاب الشركة/ شرکت تعاونی / شرائط صحت شرط

ایشان می فرمایند اگر از ضعف سندی روایات مانعة اشتراط میراث در متعة نیز چشم پوشی کنیم، در تقابل و تعارض آن با روایات مصححة به دو صورت می توان حکم نمود[1]:

- باتوجه به اینکه قرآن زوجة را از وراثت دانسته و زوجة شامل نکاح دائم و موقت می شود، حکم به ترجیح روایات مصححة اشتراط میراث در متعة نمود و مرجح آن اوفقیّت با قرآن می باشد (هر دو برای زوجة متعة مدعی ارث هستند هر چند آیه به اقتضاء نکاح چنین حکمی می نماید و روایت به اقتضاء شرط). باید توجه داشت که اگرچه ذیل روایات مصححة که نفی میراث متعة در صورت فقدان شرط می نمایند، مخالف با قرآن است اما با قبول تبعیض در حجّیت اخبار و عدم تعارض این ذیل با سایر روایات (براساس روایات شکی در عدم میراث متعة با فقدان شرط وجود ندارد) لکن تعارض صدر با روایات مانعة و ترجیح آن به موافقت قرآن وجیه می باشد.

- باتوجه به اینکه دو دسته روایت، تعارض و تساقط می نمایند و عام فوقانی وجود دارد (عمومات نافی میراث در متعة)، نوبت به مرجحیت موافقت با قرآن و ترجیح يك دسته از روایات نمی رسد.

به عبارتی دیگر روایات مانعة اگرچه موافق با قرآن است اما روایات مصححة نیز متوافق با سنت (عدم میراث در متعة) می باشد در نتیجه از حیث مرجحات نیز هر دو دسته روایات معارض خواهد بود و باید به عام فوقانی مراجعه شود[2].

مرحوم آیت الله خوئی معتقدند بر فرض تعارض، طریق صحیح وجه دوم است اما به نظر می رسد ظاهر کلام ایشان خالی از اشکال نیست زیرا فرض تساقط و رجوع به عام فوقانی مربوط به حال تکافؤ و عدم ترجیح می باشد و بدیهی است که رتبه مرجحات سابق بر آن خواهد بود نه لاحق بر آن. در مقام توجیه کلام ایشان می توان گفت از آنجا که اطلاق ارث زوجة در قرآن با اخبار صحیحة تقیید خورده است، اساسا میراث متعة در قرآن منعکس نگردیده تا سبب ترجیح روایات مصححة اشتراط میراث در متعة باشد [3] بلکه به عبارتی روایات مانعة موافق (اطلاق مقامی) قرآن خواهد بود زیرا قرآن (با تقیید به اخبار) در مقام بیان تمام وراثت بوده و متعة را ذکر ننموده است . [4] به عبارت دیگر اگرچه زوجة در قرآن اعم از دائمة و متعة است اما عمومات عدم میراث متعة مفسر و شارح قرآن می باشد و مراد جدی قرآن از زوجة در آیات

ارث را زوجة دائمة معرفی می نمایند فلذا روایات مانعة (بطلان اشتراط میراث در متعة) مطابق با قرآن خواهد بود و روایات مصحّحة اشتراط میراث در متعة با توجه به معارض بودنش با روایات مانعة نمی تواند موجب تخصیص عمومات عدم میراث متعة شود[5].

---

[1] مصباح الفقاهة، الخوئي، السيد أبوالقاسم، ج ۷، ص ۳۳۲.

[2] موسوعة الامام الخوئي، الخوئي، السيد أبوالقاسم، ج ۴۰، ص ۴۸.

[3] أقول : لازمه این توجیه آن است که روایات مانعة موافق با قرآن نیست و مرجّحی در مسأله وجود ندارد نه اینکه نوبت به مرجّحات نمی رسد.

[4] باید به این نکته نیز توجه داشت که اگر اطلاق کلام را مدلول سکوتی و حکمی متکلم بدانیم، تنافی روایات با اطلاق قرآن، مخالفت تلقی نخواهد شده بلکه مخالفت با قرآن ظهور در مدلول لفظی آیات دارد.

[5] نسبت به موافقت قرآن این نکته وجود دارد که موافقت با مراد استعمالی آیات سبب ترجیح روایات می شود و یا موافقت با مراد جدی آیات (کما ادعی السيد الصدر) که بنابر فرض دوم، روایات متعارض با مجموع آیات و روایات ناظر بر آن مقایسه خواهد شد.